

# راهنمای ترجمان و انتقال دانش



دکتر رضا اسماعیلی - وجیهه آرمان مهر

# کاربرد پژوهش چیست؟

- متون پژوهشی موجود در مجامع علمی و بین المللی در زمینه پژوهش سلامت؟ تعاریف و کاربرد های بسیار متنوعی از اصطلاحاتی مانند نشر دانش، بکار گیری دانش و انتقال دانش و واژه هایی نظیر اینها ارائه می دهند. این کاربرد ها و تعاریف متفاوتی حاکی از انگاشتها و علاقمندیهای مختلف بوده، از کانونی محدود در حد اعلام پیام تا حوزه ای فراگیر که دانش یا فرآورده ی پژوهشی را از ایجاد تا اجرا و مصرف آن توسط مخاطب در نظر می آورد، گسترده شده است.



# پخش دانش

- اصطلاح **Diffusion** که برابر آن پخش دانش یا نتایج حاصل از پژوهش قرار داده ایم ابتدا در اوائل سال های ۱۹۴۰ وارد متون شد و به معنای پخش اطلاعات پژوهشی با کیفیت، توسط پژوهشگرانی مستقل است. در این الگو که مدل فشار علم هم نام گرفت انتظار می رفت اطلاعات توسط سیاستگذاران بر مبنای یک فرایند تصمیم گیری خطی و عقلایی جذب یا اقتباس گردد. نتایج پژوهشی به عنوان بخشی از داده ها به کار روند. چنین نگرشی که بسیار منفعلانه عمل می کند برای تقویت بکارگیری پژوهش مناسب نیست. به علاوه فرایند تصمیم گیری نیز الزاماً به روش خطی اتفاق نمیفتد. لذا این رویکرد برای شریطی در نظر گرفته می شود که پژوهش بر اساس تقاضا و هدفی مشخص انجام پذیرفته باشد (مدل کشش تقاضا)



# نشر دانش

- اصطلاح **Dissemination** که از آن به نشر نتایج تعبیر می کنیم بر نگرشی دلالت دارد که بر توزیع و گستردن پژوهش متمرکز است. در این مدل، مرز تلاقی پژوهشگر و مخاطب همچنان خطی فرض می شود و فرایند انتقال همچنان مکانیکی است.
- می دانیم اقتباس از دانش جدید و نوآوری روندی صورت می پذیرد که مراحل پنجگانه دانش، باور، تصمیم، اجرا و تثبیت را در بر می گیرد. ویژگی های فردی، محیطی و یا اختصاصات پژوهش مورد بحث می توانند کماکان بر گسترش اطلاعات در این مدل نیز اثر گذارند.



## انتقال دانش

- هدف این اصطلاح مشخصاً مخاطب پژوهش است زیرا که در نبود مخاطب، پیامی هم وجود ندارد. این مفهوم چنان که در بادی امر ممکن است به نظر رسد، اغراق نیست. اتفاقاً به همین دلیل هم مفهوم نشر دانش به تدریج به انتقال دانش تحویل و تبدیل یافته است. یعنی کافی نیست که دانش تا بیرون درهای دانشگاه یا مرکز پژوهشی جابجا شود، بلکه باید به شکلی که مخاطبین آمادگی شنیدن و درک آن را دارند تغییر یابد، به خصوص اگر در نظر آورده شود که شواهد علمی، پایه ی پیام هستند اما خود پیام خیر. پس اولین کانون توجه باید همواره مردمی باشند که هدف پژوهشند نه پیام یا کالای حاصل از آن.



- لازمه انتقال موثر تقسیم گروه هدف به دسته های کوچکتر و بر اساس نیاز های آنهاست. این نیاز ها به دانشی متفاوت، پیامی خاص و یا پیام رسانی متفاوت باشند.

- ارائه یک پیام ویژه به ازای هر یک از گروه های هدف - چنان که کمابیش عنوان می شود - هدفی آرمانی است اما به سختی به کار می آید. با این همه توجه و تمرکز بر ارتباط با دسته های کوچکتر از گروه های هدف که نقشهای کلیدی بر عهده دارند بسیار ارزشمند تر از اشاعه ی یه پیام همه جانبه و همه شمول است.

- تغییر اساسی در ذهنیت سنتی، بخش دیگری از انتقال موثر دانش را تشکیل می دهد. نقطه توجه ذهنیت سنتی، سازمان، پیام مورد نظر و نتیجه دلخواه است. ذهنیت نوین بر عکس بر مخاطب تکیه دارد. حاصل این ذهنیت توجه به محرکه های ارزشی مخاطبان است، آن دسته از نیرو ها و انگیزشهایی که افراد را وا می دارد که افکار، پیام یا روش های پیام رسانی را بپذیرند یا رد کنند.



# ترجمه دانش

- عبارت ترجمه دانش را موسسه ی پژوهش سلامت کانادا به جای انتقال دانش و بکارگیری دانش عمومیت بخشیده است. بنا بر تعریف آن موسسه ترجمه دانش عبارت است از تبادل، سنتز و کاربرد اخلاقی دانش - در سیستمی پیچیده و متشکل از تعامل میان پژوهشگر و کاربر - که دستیابی به فواید پژوهش را تسریع می بخشد.
- گفته می شود این مفهوم بر تفاوت میان داده ها (حقایق، سازمان نیافته)، اطلاعات (حقایق به علاوه زمینه مشخص) و دانش (اطلاعات به علاوه قضاوت) اشراف دارد. به این معنی که اگر چه متخصصان رشته های مختلف قادرند در حوزه کار خود اطلاعات به دست آمده را قضاوت نمایند اما سایرین (از مشتریان و جامعه گرفته تا تصمیم گیرندگان) ناچارند بر قضاوت دیگری تکیه کنند و یا اطلاعات را بر اساس زمینه ای عمومی مورد داوری قرار دهند- یا اطلاعات را به دانش ترجمه کنند. فرایند ترجمه بسته به ماهیت کاربران خاص آن دانش متفاوت است.





# بکارگیری دانش

- اصطلاح کنونی بکارگیری دانش که معادل آن نشر موثر هم به کار می رود نشان دهنده ی فرایندی است که به تفاوت های زمینه ای نقش آفرینان در دو حیطه پژوهش و کاربری بیشتر حساس است. این عبارت که در عمده موضع گیری های نظری و تجربی متدوال در متون به کار رفته است حاکی از توجهی فراتر از نشر و اقتباس است و روشی که طی آن پژوهش مورد بکار گرفته می شود را به نوعی مسوولیت و میزانی برای ارتباط موثر تبدیل می نماید. پس بین دو گروه پژوهشگر و کاربر تعاملی دو جانبه و مداوم توصیه می شود و کاربر باید در معنی کردن و چه بسا اعمال پژوهش دخیل شود. شیوه ی دیگری که بکارگیری پژوهش را تقویت می کند استفاده از حضور یک گروه ثالث است - یک واسطه یه یک بنگاه پژوهشی که به عنوان معبری بین پژوهشگران و مخاطبان عمل نماید





- بر این اساس عواملی که بر بکارگیری دانش اثر می گذارند در شش دسته قرار می گیرند:

- ؟ خاستگاه پژوهش و یا راهکار نشر آن

- ؟ ماهیت قائم به ذات یافته های پژوهشی

- ؟ امکان اجرای یافته ها

- ؟ راهکار انتقالی که برای تبادل یافته ها به کار رفته است

- ؟ روابط بین پژوهشگران و کاربران

- ؟ ویژگی های کاربر و ویژگی های محیط



# بکارگیری دانش و مدل‌های آن



برای یافتن مصادیق بکارگیری پژوهش نمی توان پاسخ یگانه ای جست. یعنی در واقع مسیر مستقیمی وجود ندارد که پژوهش های پایه را از طریق پژوهش های راهبردی و کاربردی به نشر نتایج منتج نماید. پس نباید نتیجه گرفت که اگر دستاورد های پژوهش را به گروه وسیعتری از کاربران احتمالی بشناسانیم و بیشتر هم بشناسانیم (مثلا به شیوه رگباری) خود به خود از این نتایج استفاده گسترده تری خواهد شد.

گفته می شود که معمولاً کسی نتایج پژوهش را آشکارا به نهاد های سیاستگزاری تحویل نمی دهد و این نتایج اغلب تأثیر عینی و آشکاری بر سیاستگزاری مهم ندارند. دانش حاصل از پژوهش معمولاً بر توسعه و تغییر سیاستها، به دنبال پخش آن اثر می گذارد



**در مدل حل مسأله** از پژوهش انتظار می رود تا در جهت حل یک معضل سیاستگزاری، قطعه ی گمشده ای از دانش مورد نیاز برای یک رویکرد یا راهکار تازه را بیابد. وایس می گوید برای آن که پژوهش به این ترتیب بر خط مشی ها اثر گذارد عوامل بسیاری باید همزمان فراهم باشند. از آن جمله اند شرایط مشخص برای تصمیم گیری، گروهی از افراد که مسوولیت و قدرت تصمیم گیری دارند، وجود مسأله ای که حل آن حداقل تا حدی به اطلاعات بستگی دارد، تشخیص نیاز به اطلاعات مورد درخواست، پژوهشی که اطلاعات را در قالبی فراهم آورد که با شرایط تصمیم گیری های مربوطه سازگار باشد و نتایجی از پژوهش که قاطع، روشن، کاملاً مستند و قوی باشند و به موقع به دست سیاستگذاران برسند، مفهوم و قبل درک باشند و با علاقمندیهای اساسی آنان در تضاد نباشند. از آنجا که فراهم بودن همه این شرایط در یک مسأله مفروض کمتر متحمل است، این مدل در موارد اندکی کاربرد دارد.



در مدل تعاملی، سیاستگذاران از منابع و افراد مختلفی در داخل و خارج موسسه خود اطلاعات کسب می کنند. در این مدل نظامی خطی که پژوهش را به تصمیم گیری ها وصل کند دیده نمی شود بلکه ارتباطات بی نظامی در پیش و پس وجود دارد که ساختار بایسته ای ندارد و پژوهشگران تنها یک گروه از نقش آفرینان را تشکیل می دهند. با این روش به ندرت می توان نتایجی را به دست آورد که مستقیماً و به وضوح به مسأله مورد نظر مربوط باشد. همچنین بسیار بعید است که بتوان شواهدی همسو و متمرکز را گرد آورد. با این همه، این افراد می توانند در مشاوره های دو سویه به هدف مورد نظر نزدیکتر شوند.



گاه از پژوهش برای تقویت شرایط از پیش ایجاد شده استفاده می شود. این روش، که **مدل سیاسی** نام دارد، هر چند علمی به نظر نمی آید اما نمایانگر رویکردی قابل تأمل است. هم خانواده ی نزدیک آن، مدل راهبردی است که در آن از پژوهش برای تعویق تصمیم گیری، مهار انتقاد ها و یا حتی کسب وجهه برای سیاستگزاران یا تصمیمات اتخاذ شده استفاده می شود.



مدل ششم که وایس به آن می پردازد **مدل روشنگری** است. در اینجا نتیجه ی یک مطالعه منفرد یا حتی مجموعه ای از پژوهش های مرتبط به هم نیست که بر سیاستگزاری تأثیر می گذارد، بلکه مفاهیم و دیدگاههای نظری که پژوهشهای مختلف موجد آن بوده اند بر روند سیاستگزاری حکمفرماست. این مدل هر چند تا حدی آسودگی خاطر پژوهشگران را در زمینه اثر گذار بودن تلاشهایشان فراهم می آورد اما نتایج آن چندان مورد ارزیابی های منتقدانه قرار نگرفته است. نتایج در این روش به سختی می توانند به نظر سیاستگذاران برسند چه رسد به آنکه آنان را اقناع نمایند.



**مدل هفتم** مدلی است که در آن پژوهش و کاربرد آن جدا از یکدیگر در نظر گرفته نمی شوند بلکه به گستره ای از فعالیتهای روشنفکری جامعه تعلق دارند. در این مدل پژوهش به حل مسائلی که بیشتر مطرح شده می پردازد در عین حال با باز کردن افقهای جدید به شناخت مشکلات یا باز تبیین آنها کمک می کند





پژوهشگران دیگر همین هفت الگو را به سه دسته تقسیم کرده اند در مدل سنتی بر محتوای پژوهش تأکید ورزیده می شود. مدل‌های راهبردی و سیاسی برای استفاده استراتژیک از پژوهش به کار می روند. در شیوه تعاملی فرض بر اینست که هم پژوهش و هم تصمیم سازی، همزمان با سایر فرایندهای اجتماعی رخ می دهند و لذا نباید به طور مجزا مورد بررسی قرار گیرند. در این مدل فرایند تولید و نشر دانش بخشی از مجموعه ای بزرگتر از عواملی هستند که بر سیاستگزاری موثرند.

## بکارگیری پژوهش از منظر سیاست‌گزاران

- به نظر می‌آید در متون فعلی شواهد متناقضی از تأثیر پژوهش بر سیاستها موجود است. بکارگیری دانش ظاهراً به گروهی از عواملی از سوی سیاست‌گزاران وابسته است که به عطش دانایی ارتباطی ندارند بلکه موکول به این پرسشند که نتایج پژوهشی تا چه حد در خدمت اهداف سیاست‌گذاری است. هر چه این همگرایی بیشتر باشد برای بکارگیری نتایج موثرتر است. هر چقدر موضوعی بیشتر مورد منازعه باشد افراد کمتری به سراغ دانش عینی پیرامون آن خواهند رفت. بر عکس به دانشی متمایلند که موضعشان را حمایت نماید. گفته می‌شود تأثیر پژوهش بر تصمیم‌گیری‌ها به نوع پژوهش و اهداف آن برنامه‌ی خاص بستگی دارد. به این ترتیب که در هر نوع از پژوهش، گروه‌های متفاوتی دخالت دارند، مشکلات مختلفی در پیش رو قرار دارند و راه‌های گوناگونی هم جستجو می‌شود.



# بکارگیری پژوهش از منظر سیاستگذاران

- به طور کلی، سه روش شناخته شده ی ترجمه دانش برای سیاستگذاران وجود دارد:
- ؟ پخش نتایج، مداخلات شامل راهبرد هایی هدفمند مانند ارسال مستقیم نتایج تحقیق به مخاطبین، برگزاری کارگاه ها و کنفرانسها است. در این روش هدف عبارت است از ایجاد آگاهی و تغییر در نگرشها
- ؟ اجرا، که در این روش مداخله ها فعالانه تر و با هدف افزون تغییر نگرش و تغییر رفتار به آگاهی انجام می شوند. تلاشهای سازمان یافته برای شناسایی و غلبه بر موانع انجام می پذیرد. مداخله های اداری یا اقتصادی نیز در این قسمت صورت می گیرند.
- به طور کلی هر چه مداخله، فعالانه تر و هدفمندتر باشد امکان آن که پژوهش، تغییری عملی در رفتار موجود ایجاد کند بیشتر است. از طرف دیگر هر چه انتشار و ترویج نظرات در سطوح وسیعتری صورت گیرد احتمال ایجاد درک متقابل که لازمه موفقیت آن مداخله است بیشتر می گردد.



# بکار گیری پژوهش از نظر پژوهشگران

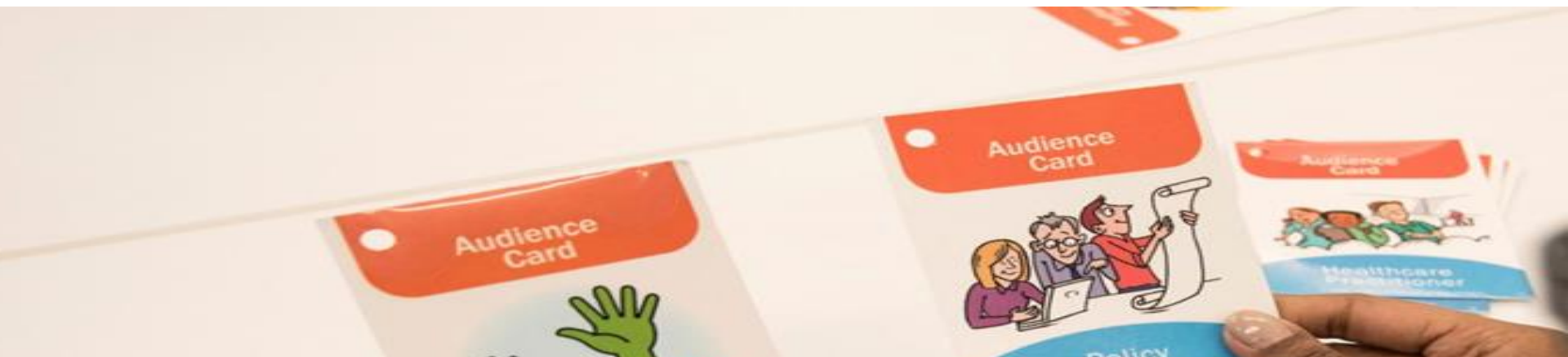
به نظر می رسد همه ی گروه های دخیل در فرایند های پژوهش و تصمیم گیری و نیز کاربران نهایی باید در کاربردی کردن پژوهش سهم باشند. به این ترتیب پژوهشگران سیاستگذاران، گروه های ذینفع نهاد های واسطه گر، پزشکان، سرمایه گزاران، کاربران نهایی، مردم کل جامعه در امر کاربردی کردن پژوهش اثر خواهند گزارد. گفته می شود که اگر پژوهشگران این مخاطبان را به روشنی بشناسد و آنها را در تبیین مشکلات و پرسشها دخالت دهند، احتمال بیشتری وجود دارد که تصمیم گیرندگان، نتایج پژوهش آنان را مورد استفاده قرار دهند.



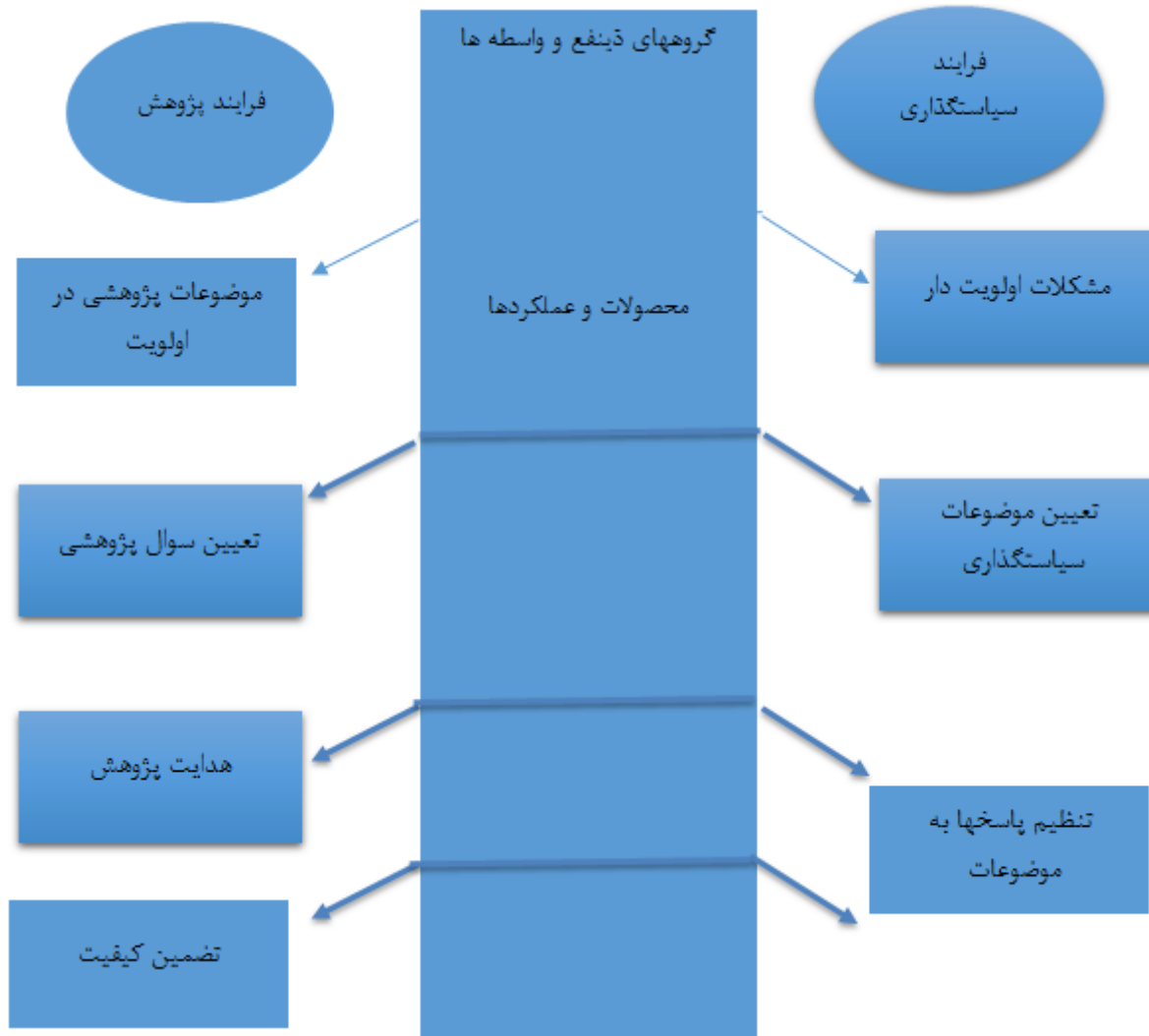
در کاربردی کردن پژوهش اغلب بار اصلی متوجه پژوهشگران است، زیرا که رایج ترین نگرش برای پیوند دادن پژوهش به سیاست همان مدل خطی است یعنی تولید پژوهش خوب و نشر نتایج به کاربران مورد نظر که بر این فرض مبتنی است که تصمیم گیران همیشه پذیرای اطلاعات مفید هستند و به محض آن که در دسترسشان قرار گیرد از آن استفاده می کنند. واضح است که این فرض همواره صادق نیست. توفیق چنین نگرشی موکول به آن است که کاربران، نتایج پژوهش را به خوبی درک نمایند. به همین دلیل تلاش های فراوانی صورت گرفته است که ارائه پژوهش را صورتی جذاب و قابل درک بخشد، و دوره ها و مواد آموزشی گوناگون برای پژوهشگران جهت ارتباط موثرتر در نظر گرفته شده است. این نگرش بر ایجاد ارتباط بین دو گروه پس از به دست آمدن نتایج - و نه پیش از آن - متمرکز است.



مرز تلاقی پژوهش و سیاست، بخشی از یک الگوی پیچیده و پویا است که از عوامل نهادی (ساختار، معیارها و انگیزه‌ها) و فردی (باورها و نگرشها) در درون بخش سلامت و نیز محیط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیرامون آن تشکیل شده است. فرایندهای پژوهش و سیاست‌گذاری، هر یک نگرش متفاوتی به مسائل دارند و زمانبندی، مکانیسم عمل و معیارهای موفقیت آنها با یکدیگر متفاوت است. مهمترین قالب برای تفهیم این فرایند بر نظرات وایس مبتنی است و شورای پژوهش سلامت برای توسعه نیز در مطالعات خود از آن بهره جسته است. این قالب، ابعاد زیر را مورد تحلیل قرار می دهد:



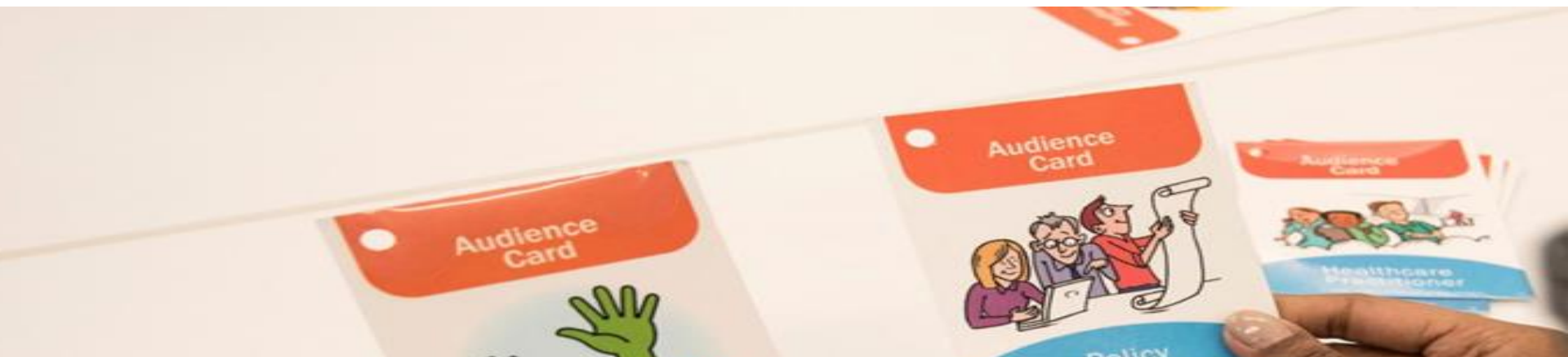
## بستر (context)



تقویت ارتباط پژوهش و سیاستگذاری

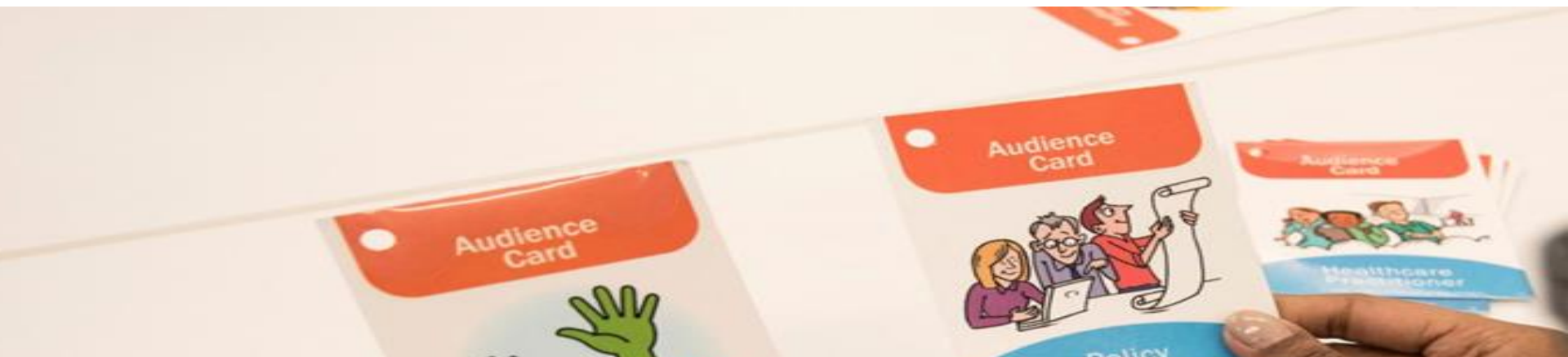


مرز تلاقی پژوهش و سیاست، بخشی از یک الگوی پیچیده و پویا است که از عوامل نهادی (ساختار، معیارها و انگیزه‌ها) و فردی (باورها و نگرشها) در درون بخش سلامت و نیز محیط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیرامون آن تشکیل شده است. فرایندهای پژوهش و سیاست‌گذاری، هر یک نگرش متفاوتی به مسائل دارند و زمانبندی، مکانیسم عمل و معیارهای موفقیت آنها با یکدیگر متفاوت است. مهمترین قالب برای تفهیم این فرایند بر نظرات وایس مبتنی است و شورای پژوهش سلامت برای توسعه نیز در مطالعات خود از آن بهره جسته است. این قالب، ابعاد زیر را مورد تحلیل قرار می‌دهد:



## بستر (محیط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی)

شرایط سیاسی پایدار ، میزان مرکز گرایی در فرایند تصمیم گیری، میزان تداوم سیاستها، فراهم بودن منابع اقتصادی، خاستگاه اجتماعی مشابه بین پژوهشگران و سیاستگذاران و درجه فوریت معضل بهداشتی که به پژوهش در آن مورد انجام می گردد، همه بر احتمال بکارگیری پژوهش مؤثرند.



## محتوا ( کیفیت و ماهیت پژوهش )

کیفیت کار، نوع مطالعه (به مطالعات کمی، کمتر بها داده می شود)، عملی بودن یافته ها، زبان فنی مورد استفاده و زمان مناسب پژوهش همه بر بکارگیری آن اثر می گذارند.

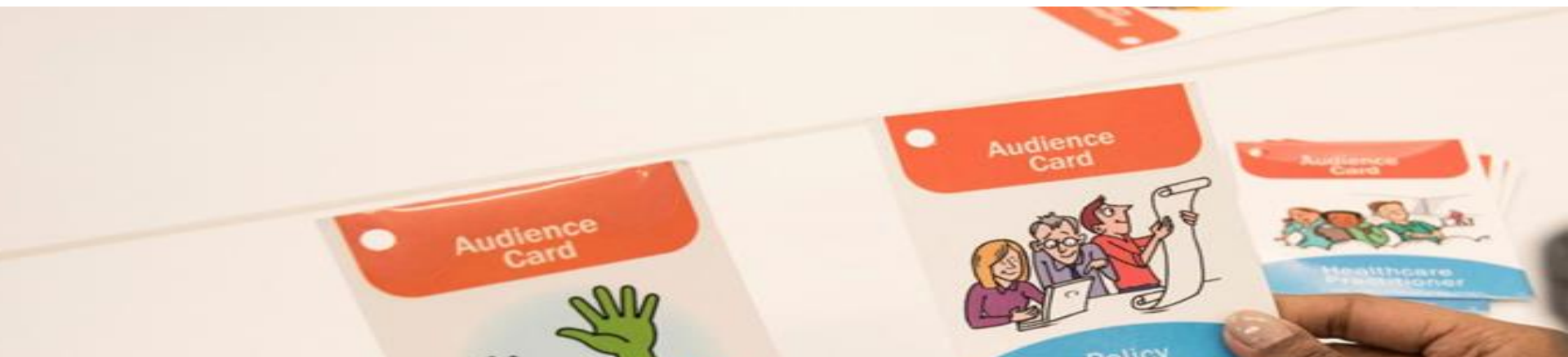
محصولات پژوهش نیز در همین قسمت مورد بررسی قرار می گیرند. منظور از این محصولات مطالعات پژوهشی و نحوه اتصال آنها با فرایند تصمیم گیری است. پژوهشگران اغلب، کیفیت پژوهش را عاملی تعیین کننده در بکار گیری آن می شناسند، اما ماهیت موضوع و مطالعات مربوط به آن نیز نقشی اساسی به عهده دارند. گفته می شود مطالعاتی که یافته هایی واقعی به دست می دهند نسبت به آنها که توصیه هایی تجریدی ارائه می نمایند وضعیت و کارکرد متفاوتی خواهد داشت.

محصولات پژوهش را نباید به گزارش پایانی طرح پژوهشی منحصر دانست، بر عکس باید آنها را مجموعه ای از برونداها گوناگون در نظر آورد که در برنامه منسجمی، هم برای پژوهش وهم جهت سیاستگزاری قرار می گیرند.



## فرایندها ( هم پژوهش و هم سیاستگزاری و نقاط برخورد آنها)

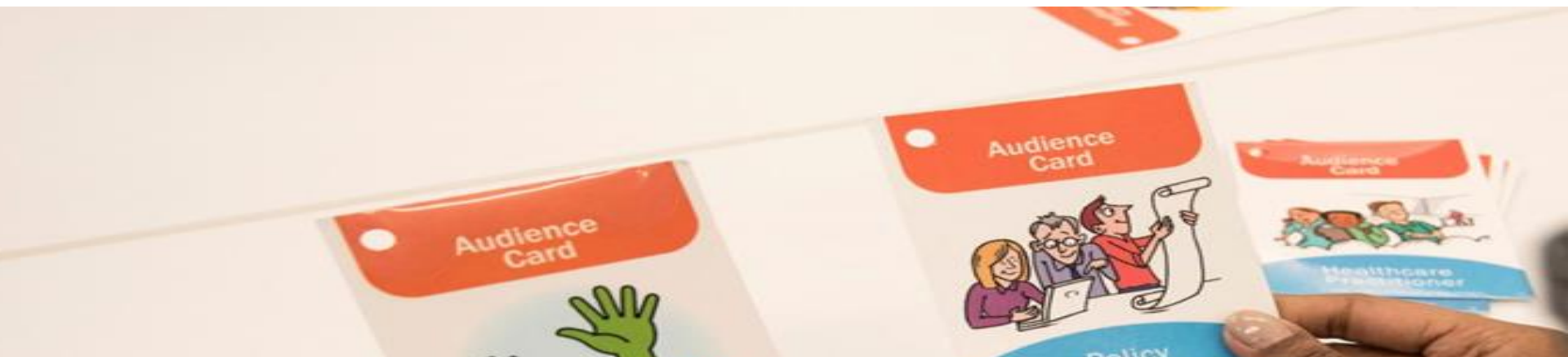
به نظر می رسد وجود معبر ارتباطی غیر رسمی میان پژوهش و سیاستگزاری مزیت محسوب می گردد. نشر عمومی ضعیف و موضوعاتی که به لحاظ سیاسی مورد مناقشه بسیارند به زیان کار عمل خواهند نمود.



## گروههای ذینفع یا نقش آفرینان

( گروههای علاقمند به موضوعات پژوهش و حوزه های تصمیم گیری که برخی از آنها ممکن است در نقش واسطه ظاهر شوند و بعضی به عکس ممکن است راه تعامل را سد نمایند.

وجود یک نهاد حمایت کننده که هم در تعیین موضوع پژوهش و هم در تدوین توصیه های عملی برای سیاستگذاری فعال است، میزان پذیرش پژوهش را بالا می برد. در این میان اعتبار قانونی نهاد سرمایه گذار هم اهمیت دارد. مطالعاتی که از سازمان جهانی بهداشت بودجه می گیرند بیشترین میزان کاربرد را داشته اند.



شورای پژوهش‌های سلامت برای توسعه (COHRED) به این الگو، عامل ششمی به نام واسطه‌های پژوهش را هم می‌افزاید. این واسطه‌ها افراد یا نهادهایی هستند که در فرآیند تقویت رابطه میان پژوهش و سیاست، نقش فعالی به عهده می‌گیرند. سازمانهای پشتیبان پژوهش، پژوهشگران و گروههای دانشگاهی یا مدنی که از سیاستگذاری مبتنی بر شواهد حمایت می‌کنند از جمله این واسطه‌ها هستند. مراکز ملی هماهنگ‌کننده پژوهش و بنگاههای بین‌المللی واسطه‌گر هم سهم مهمی در ارتباط پژوهش و سیاست دارند. کاربردی کردن دانش از دید پژوهشگران از یک فرایند پله‌ای تبعیت می‌کند. این الگو سطح ارتباط پژوهشگر با گروههای ذینفع را در جهت حصول اهدافی معین نشان می‌دهد. پژوهشگر باید ابتدا اهداف کوتاه مدت یا دراز مدت خود را معلوم نماید تا بتواند سطحی از تعامل را که مورد نیاز است مشخص کند. لذا لازم است پژوهشگر مهارتهای لازم را جهت تعیین اهداف، گروه هدف، علت‌های کاربردی کردن و آنچه را نیازمند به ترجمه و تحویل می‌باشد کسب نموده باشد.





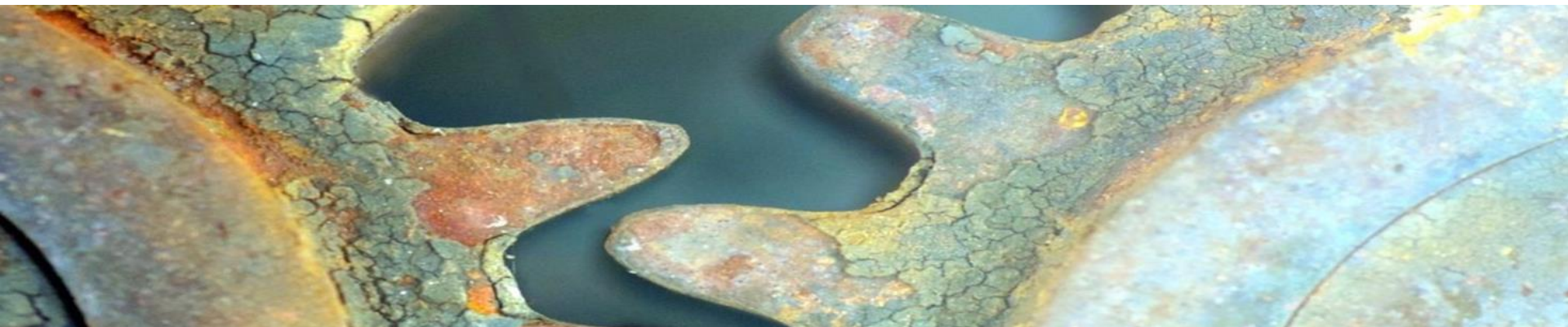
## • سطح یک : نشر پژوهش

• برون داد پژوهش به گروههای اصلی هدف یا افراد درگیر در پژوهش ارائه می شود. کار پژوهشگر ممکن است با ارائه یافته های پژوهش و توصیه های مربوطه پایان پذیرد و یا این که ارائه این یافته ها می تواند نقطه آغازی برای بحث و تبادل نظر جهت یافتن جنبه های عملی نتایج باشد.

## • سطح دو : افزایش گروههای ذینفع

• پس از مرحله نشر، نتایج مطالعه می تواند از طرق ارتباطی گوناگونی که در اختیار پژوهشگر است به نظر سایر گروههای ذینفع برسد.

• مجددا کار پژوهشگر ممکن است در این مرحله به پایان برسد، اما معمولا جلب نظر گروههای جدید موجب افزایش ارزش این نتایج نزد شرکای احتمالی ( از جمله آگهی دهندگان ) خواهد بود.





## سطح سه: کار با گروه‌های دینفع

انتظارات مشخص و علاقه مندیهای مشترک، بیشتر در این سطح قابل تشخیصند. در اینجا است که پژوهشگر تصمیم می‌برد یافته‌های پژوهش و توصیه‌های آن را در غالب برنامه‌ها و موسسات موجود به مرحله عمل برساند. نیز تصمیم در مورد کار با شرکای جدید و توافق بر سر رهیافتهای مقطعی در این مرحله صورت می‌گیرد.

## سطح چهار: فعالیت‌ها

تصمیمهای گرفته شده در سطح پیشین در این مرحله به برنامه‌ها و فعالیت‌های مشخص و معین تبدیل می‌شوند. این امر شامل به جریان انداختن منابع برای هدایت این فعالیتها و مشارکتهای وسیعتر جهت بکارگیری آنهاست تاکید بطور عمده بر نتایج پژوهش استوار است اما مهارتهای مدیریتی و هماهنگی را نیز سطح وسیعی در بر می‌گیرد. به تدریج که این فعالیتها پیش می‌روند و به پایان می‌رسند باید اعضای درگیر به ارزیابی وضعیت پردازند. این ارزیابی دید واقع بینانه تری از موفقیت حاصله را به دست می‌دهد. به علاوه در بیشتر موارد برنامه‌ها و استراتژی‌های موجود مورد بازنگری قرار خواهند گرفت. نیز این فرصت را به دست خواهد داد تا فعالیتها در سطوح قبلی تکرار شوند.



فعالیتها	جرا و ارزیابی	
	برنامه ریزی و آمادگی	
کار با گروه های ذینفع نفع	همگرایی در راهبردها	
	همگرایی شرکا	
افزایش افراد ذی نفع	شناسایی شرکای بالقوه	
	استفاده از سایر وسائل ارتباطی	
نشر پژوهش	توصیه ها	
	ارایه گزارش	

شکل ۲-۱۰ کاربرد ی پله ای، الگوی پله ای



## فرصت ها و موانع بکار گیری پژوهش

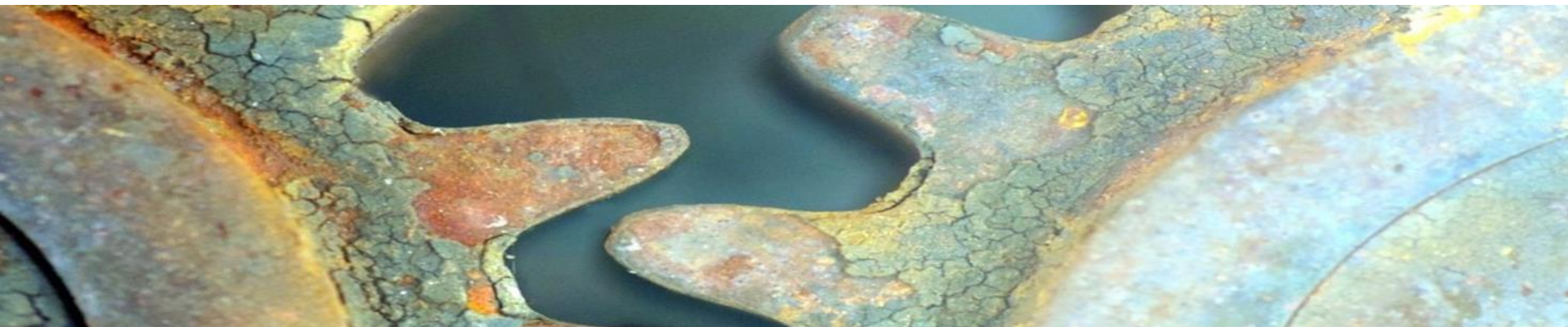
هر چند در جهان آرمان فرض بر آنست که پژوهش بطور متناسب نشر یافته، به دست گروه های هدف و تصمیم گیرندگان می رسد و آنان نیز از منظری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مزایای اتخاذ تصمیمات مرتبط را خواهند سنجید اما می دانیم که در صورت واقع، مشکلات ساختاری مختلفی در پیش روست که باید ابتدا آنها را از پیش پا برداشت. یکی از این مسائل فاصله میان منطق دانشگاهیان و استدلال مقامات دولتی است. دانشگاهیان اغلب برای تعداد مقالات علمیشان مورد تشویقند، و دولت تنها وقتی آنها را تایید می کند که پژوهش آنان موید برنامه های دولت باشد. زمان تولید محصولات پژوهشی نیز که اغلب خارج از ضرباهنگ روند تصمیم سازی قرار گیرد، فاصله پژوهشگران و سیاستگذاران را بیشتر کرده است.





مسوولان سلامت جامعه، به دلیل وفاداریشان به مافوق، حضور در صحنه تصمیم گیری - و در بهترین شرایط- در جهت هدف دور دست بهبود سلامت تشویق می شوند. محدودیتهای بودجه و اولویتهای سیاسی و سازمانی هم به سنگینی بر فرایند تصمیم گیری سایه انداخته اند. مطالعه ای بیان کرده است که سیاستگذاران عموماً احساس می کنند تسلط چندانی بر روند سیاستگذاری ندارند. همینطور کمبود وقت مقامات مسوول برای مطالعه گزارشهای طولانی و پیچیده و نیز بی اعتمادیشان به کیفیت پژوهش و اهداف پژوهشگران از مولفه هایی است که بر تفاوت دو گروه می افزاید.

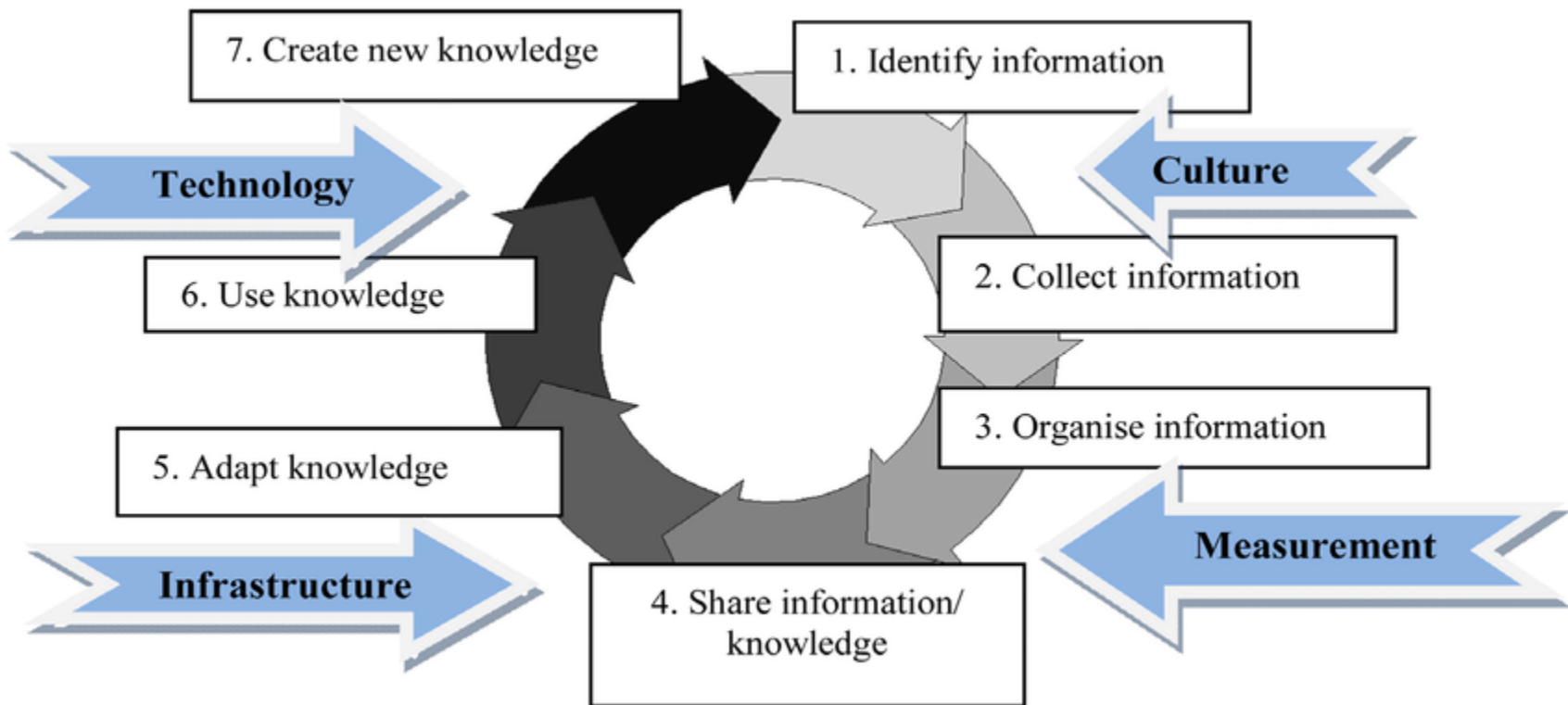
تلفیق این تفاوت ها معلوم می دارد که هیچ یک از دو گروه مهارت کافی برای پر کردن این فاصله را ندارند. پژوهشگران تعامل کمی با رسانه ها و گروههای ذینفع جامعه انجام می دهند و از تشریفات اداری سیاستگذاری شامل مراحل قانونی، قضایی و مالی کار بی خبرند. به علاوه نتایج به ندرت به پیام های کوتاه و روشن که برای غیر متخصصین هم قابل دسترسی باشد. تبدیل می شوند. نیز باید گفت که معمول نیست که سیاستگذاران به دنبال پژوهشگران فرستند تا شواهدی برای حمایت از تصمیماتشان گرد آورند یا موضوعات مورد نیاز برای پژوهش را تعیین نمایند.





• در مجموع، مساله بکارگیری پژوهش یا آنچه برخی از آن با عنوان تصمیم گیری با مبنای شواهد ضعیف نام می برند به عوامل متعددی وابسته است. در حالی که مهم ترین عامل تعیین کننده بدون شک میزان سرمایه گذاری در پژوهش و کمیت و کیفیت پژوهشگران است، لازم است تا تفاوت های فرهنگی و عملی که میان مدرسه و سیاستگزاری در سیستمها و خدمات سلامت فاصله می اندزند نیز مورد نظر قرار گیرد.

Steps in the knowledge transfer process in a knowledge transfer-enabling environment. Source: O'Dell, and grayson (1998).



HARVARD BUSINESS REVIEW PRESS

# CRITICAL KNOWLEDGE TRANSFER

TOOLS FOR  
MANAGING  
YOUR COMPANY'S  
DEEP SMARTS

DOROTHY LEONARD • WALTER SWAP • GAVIN BARTON

 Health Canada  Santé Québec



## Knowledge Translation Planner

October 2017



Canada 



